



سوره الفاتحه



علی (ع) ، از هجرت تا غدیر



بررسی زندگانی و سیره امام علی از دوره هجرت تا غدیر خم

میثم ابنای / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

سیره علوی / استاد خاکرند



مِنْ أَجْلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



شاه مردان

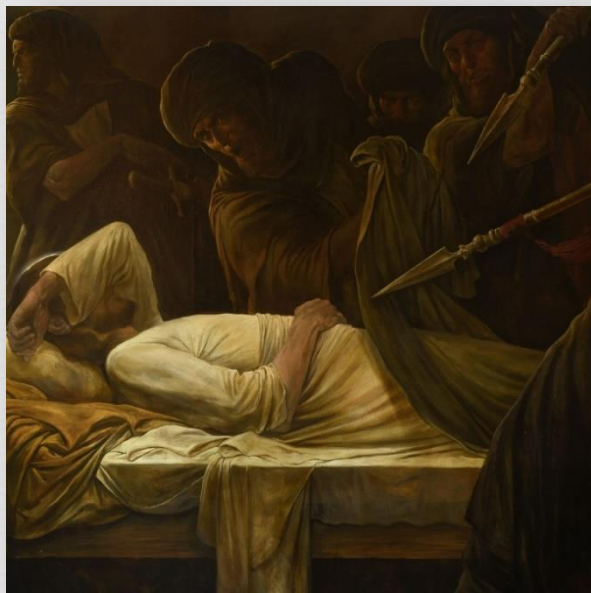


مقدمه

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن نظر یک الگوی کامل است که معصوم است. دست پرورده وحی و رسالت است و در تمام صفات ارزنده الهی گوی سبقت را از همگان ربوده، جامع اضداد است و در تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، نمونه و آینه تمام نمای اسلام است. در شب هجرت پیامبر اکرم ص این علی علیه السلام بود که با جان خویش پیامبر را یاری و همراهی نمود و خطر را به جان خرید و جای پیغمبر خواید، و بعد از آن نیز امانت‌های موجود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله را به مردم برگرداند و برخی بانوان به جامانده از جمله دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا را به مدینه رساند، و در مدینه نیز که آغاز زحمات و جنگ‌ها بود علی علیه السلام در تمامی جنگ‌ها حضرت را یاری و همراهی نمود و در برخی صحنه‌ها همچون جنگ احد هفتاد زخم را بر تن خرید تا پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری و همراهی نماید، و تا آخرین لحظه نیز از همراهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر نداشت تا آن جا که سر مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در لحظه پرواز روحش به ملکوت اعلیٰ به دامن علی علیه السلام بود و بعد از رحلت، مراسم تغسیل و تکفین و تدفین نیز توسط ایشان انجام گرفت. اولین کسی که در عهده دار کتابت وحی شد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود و تا آخرین روز حیات پیامبر به این کار ادامه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اصرار فراوان داشت تا علی علیه السلام آن چه را نازل می شود، نوشته و ثبت نماید تا چیزی از قرآن و وحی آسمانی از علی علیه السلام دور نماند. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره زیباترین تعابیر را برای امام علی بکار میبرد علیه السلام و فضایل زیادی از علی علیه السلام وجود دارد که ناشی از بی نظیری وی در اخلاق، شجاعت، صبر و بردباری، دفاع از مظلوم، علم، سخا و تمندی و بخشش و... است.



علی (علیه السلام) در هنگام هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله)



در شب اول ربیع الاول سال ۱۴ بعثت (سال اول هجرت) پیامبر (ﷺ) برای آنکه مشرکان از هجرت او آگاه نشوند، به امام علی (علیه السلام) فرمود: «مشرکان می خواهند امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در بستر من می خوابی؟» امام علی (علیه السلام) گفت: «در این صورت شما سالم می مانید؟» پیامبر (ﷺ) فرمود: «آری». امام علی (علیه السلام) تبسمی کرد و سجده شکر به جای آورد، هنگامی که سر از سجده برداشت عرض کرد: «آنچه را که مأمور شده ای انجام بده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد ...» سپس پیامبر (ﷺ) علی (علیه السلام) را در آغوش گرفت و هر دو گریه کردند و از هم جدا شدند. وقتی علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (ﷺ) خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای او آمدند و جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون تو ای فرزند ابوطالب (علیه السلام)! که خدا در برابر ملائک به تو مباحثات می کند.» مشرکان وقتی علی (علیه السلام) را در بستر رسول خدا (ﷺ) مشاهده کردند، گفتند: محمد کجاست؟ علی (علیه السلام) فرمود: «مگر او را به من سپرده بودید که از من می خواهید؟ کاری کردید که او ناچار شد خانه را ترک کند». در این هنگام به سوی

علی (علیه السلام) یورش بردند و او را آزدند و سپس از خانه بیرون کشیده، کتک زدند. ساعتی هم در مسجد الحرام زندانی کردند.

و آیه **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ** بنا به فرموده امام باقر (ع) در شان امام علی نازل شده است.



در حادثه هجرت، در مدت سه شبانه روزی که حضرت رسول ﷺ در غار «ثور» استقرار یافته و از چشم دشمنان مخفی شده بود، حضرت علی علیه السلام به همراه هند بن ابی هاله (پسر حضرت خدیجه علیها السلام) دور از چشم مشرکان مکه، به پیامبر اکرم ﷺ آذوقه و لوازم ضروری می رساند. در یکی از شب ها که علی علیه السلام و هند به محضر آن بزرگوار شرفیاب شده بودند، پیامبر ﷺ به علی علیه السلام سفارش کرد که: امانت های مردم را در ملاً عام و آشکارا به صاحبانشان برگرداند. و آنگاه در مورد هجرت دخترش فاطمه علیها السلام به امیرمؤمنان علی علیه السلام که فردی ۲۳ ساله بود، چنین فرمود:

«من دخترم فاطمه علیها السلام را به تو سپردم و هردوی شما را نیز به خدا می سپارم و از خداوند تبارک و تعالی می خواهم که نگهبان و حافظ شما باشد.»

رسول خدا ﷺ در ادامه سفارش های خود به علی علیه السلام دستور داد تا تعدادی شتر تهیه کرده، مقدمات هجرت به مدینه را برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، فاطمه بنت اسد، مادر مولای متقیان علی علیه السلام و فاطمه بنت زبیر و عده ای از بنی هاشم و برخی مسلمانان بی بضاعت که برای هجرت به مدینه تصمیم دارند، فراهم کند و دور از چشم دشمنان به مدینه منتقل نماید و در آخر برای سلامتی علی علیه السلام و همراهانش دعا کردند. امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز طبق دستور پیامبر ﷺ مرکب هایی تهیه کرد و بعد از اطمینان از سلامتی و حرکت پیامبر ﷺ، به سوی مدینه روانه شد. علی علیه السلام در تاریکی شب و مخفیانه به همراه فاطمه زهرا علیها السلام، مادرش فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب، ایمن، پسر ام ایمن و برخی دیگر از مسلمانان غریب و ضعیف، در قالب کاروانی کوچک هجرت خود را آغاز کرد.





صلوات
علیه

علی علیه السلام برادر پیامبر

اخوت اسلامی و پیوند برادری از اصول اجتماعی آیین اسلامی است. پیامبر اسلام ﷺ به صورتهای مختلف و گوناگون در ایجاد و استوار ساختن این پیوند، کوشش نموده است. از آن جمله پس از ورود به مدینه تصمیم گرفت میان مسلمانان مهاجر و انصار پیمان برادری منعقد سازد، به این منظور روزی در اجتماع مسلمانان بپاخاست و فرمود: «تأخوا فی الله اخوین اخوین»: در راه خدا، دو تا دو تا برادر شوید. آنگاه مسلمانان دوبدو دست یکدیگر را به عنوان برادری فشردند.

البته در این پیمان نوعی هماهنگی و تناسب افراد با یکدیگر از نظر ایمان و فضیلت و شخصیت اسلامی رعایت می شد. این معنا با دقت در وضع و حال افرادی، که با هم برادر شدند بخوبی روشن می گردد.

پس از آنکه برای هر یک از حاضران برادری تعیین گردید، علی علیه السلام که تنها مانده بود، با چشمان اشکبار به حضور پیامبر ﷺ عرض کرد: بین من و کسی پیوند برادری برقرار نساختی. پیامبر فرمود: تو برادر من در هر دو جهان هستی. آنگاه بین خود و علی علیه السلام عقد برادری خواند. این موضوع میزان عظمت و فضیلت علی علیه السلام را بخوبی نشان می دهد و روشن می سازد که وی تا چه حد به رسول خدا ﷺ نزدیک بوده است.

علی علیه السلام در غزوه بدر



از بین تمامی غزوات پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام فقط در غزوه تبوک حضور نداشته است. در جنگ بدر رسول خدا ﷺ به «عبیده بن حارث بن عبدالمطلب»، «حمزه بن عبدالمطلب» و «علی بن ابیطالب علیه السلام» دستور داد به جنگ ولید، عتبه و شیبیه بروند، این سه مجاهد شجاع، روانه رزمگاه شدند و خود را معرفی کردند. آنان هر سه نفر را برای مبارزه پذیرفتند و گفتند: همگی همشان ما هستند. از این سه تن «حمزه» با، «عتبه»، «عبیده» با «شیبه» و «علی» که جوانترین آنها بود، با «ولید»، دایی معاویه، روبرو شدند و جنگ تن به تن آغاز گردید. «علی» و «حمزه» هر دو، هموارد خود را بسرعت به قتل رساندند ولی ضربات متقابل میان «عبیده» و «عتبه» هنوز ادامه داشت و هیچ کدام رقیبان خود، بر دیگری غالب نمی شد، از این رو «علی» و «حمزه» پس از کشتن حرفیان خود به کمک عبیده رفتند و شیبیه را کشتند.

در جنگ بدر که به جنگ فرقان نیز مشهور است و طبق منابع با کشته شدن ۷۰ نفر از مشرکین با پیروزی مسلمانان به پایان رسید، امام علی علیه السلام با شجاعت و دلاوری بی نظیرشان نقش موثری داشتند. بیش از نیمی از کشته شدگان لشکر کفار توسط امام علی علیه السلام کشته شد. مرحوم شیخ مفید، سی و شش تن از کشته شدگان مشرکین در جنگ بدر را نام می برد و می نویسد: «راویان شیعه و سنی به اتفاق نوشته اند که این عده را علی بن ابی طالب (ع) شخصا کشته است، بجز کسانی که در مورد قاتل آنان اختلاف است و یا علی علیه السلام در کشتن آنان با دیگران شرکت داشته است.»

علی علیهما السلام ، همسر سرور بانوان جهان

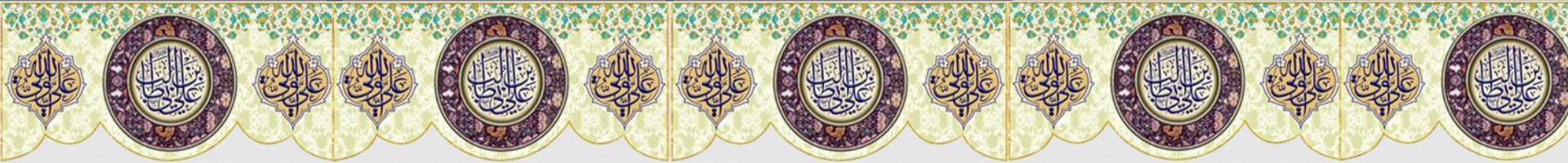


از حوادث مهمی که در سال دوم هجری اتفاق افتاد ، ازدواج امام علی با دختر پیامبر ، حضرت فاطمه میباشد. خطبه عقد علی و حضرت فاطمه را پیامبر را خواند. بنا بر نظر مشهور مهریه حضرت زهرا ۵۰۰ درهم ذکر شده است. بر اساس روایات، امام علی از زهره خود را فروخت و پیامبر با پول آن جهیزیه حضرت فاطمه را تهیه کرد. همچنین در شب ازدواج امام علی و حضرت فاطمه مردم مدینه، اطعام شدند.

طبق منابع، قبل از خواستگاری حضرت علی (ع)، چند تن از صحابه مانند ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن خطاب از فاطمه سلام الله علیها خواستگاری کرده بودند. پیامبر (ص) در پاسخ آنها، ازدواج فاطمه سلام الله علیها را به دست خدا می دانست. بنابر گزارش منابع، سن امام علی علیه السلام هنگام ازدواج بیست و یک سال و سن حضرت فاطمه علیها السلام را نه ده و یازده نقل کرده اند.

بنابر نقل ابن شهر آشوب ، در مناقب آل ابی طالب، پیامبر در هنگام ازدواج حضرت فاطمه و علی (ع) بر منبر رفت و خطبه ای خواند و فرمود: خداوند به من دستور داده است که فاطمه را به عقد علی درآورم و این کار را انجام داد.

بر اساس منابع تاریخی، خانه امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، چند روز پس از ازدواج به همسایگی پیامبر (ص) منتقل شد؛ چراکه دوری فاطمه برای پیامبر دشوار بوده است. پیامبر ابتدا به دنبال آن بوده که آن دو را در خانه خود جای دهد، اما حارثه بن نعمان از صحابه، خانه خود را که در همسایگی پیامبر بود، در اختیار او گذاشت تا خانه علی و فاطمه باشد. یکی از شاخصه های مهم این ازدواج تعیین مهریه است که متأسفانه در جامعه امروزی ما این شاخصه در ازدواج ها رعایت نمی شود و به همین خاطر آسیب های جبران ناپذیری در جامعه به وجود می آید، تعیین مهریه از سوی پیامبر و پرداخت آن از سوی امیرالمومنین (ع) که در این عمل معصوم به دو حقیقت مهم توجه شده است.



نخست: لزوم مهریه و اهمیت آن. **دوم:** پرهیز از زیاده روی و افراط در حجم مهریه. حضرت علی(ع) زره خود را به مبلغ چهار صد درهم می فروشد و مهریه فاطمه زهرا(س) را پرداخت کرد.

امروزه در جامعه شاهد مهریه های سنگین هستیم و یا از سوی دیگر برخی نیز راه تفریط را طی می کنند. و اساسا مهریه را بسیار ناچیز قرار می دهند و آن را مستند به دین و توصیه های دینی می کنند. ازدواج این دو انسان نمونه، و مهریه حضرت فاطمه(س) نشان می دهد هیچ کدام از این ۲ شیوه درست نیست، باید میزان مهریه معقول، منطقی، و تا حد امکان منطبق با مهرالسنة باشد.

همسرداری هردو ایشان بهترین الگو برای هر مسلمانی است. شیوه رفتار با همسر برای یک زن آن قدر مهم است که حضرت علی(ع) می فرماید: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. فاطمه(س) با آن همه فضیلت، همسری نیکو و مطیع برای امیر مؤمنان علی(ع) بود. روایت است هنگامی که علی(ع) به فاطمه(س) می نگریست، غم و اندوهش برطرف می شد.

فاطمه(س) هیچ گاه حتی اموری را که احتمال می داد علی(ع) قادر به تدارک آنها نباشد، از او طلب نمی کرد؛ تا آنجا که از علی(ع) در رابطه با فاطمه(س) نقل شده است: به خدا سوگند که او را به خشم نیاوردم و تا هنگامی که زنده بود، او را وادار به کاری که خوشش نیاید نکردم؛ او نیز مرا به خشم نیاورد و نافرمانی هم نکرد.

حضرت علی(ع) از نظر ارتباطات عاطفی بسیار به حضرت زهرا سلام الله علیها توجه داشتند و از تعبیری مثل «حیبتی زهرا؛ (محبوبه من زهرا)» را از حضرت مولی الموحدين داریم، یا مثلاً حضرت بارها و بارها به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمودند «بنفسی انت، (جانم فدات) البته جالب است که حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها پاسخ می دادند «روحي لروحك الفداء؛ (روح من فدای روح)» یا حضرت در تعبیری دارند «**من و زهرا مثل دو کبوتر عاشق در لانه ای بودیم**» اینها نشان می دهد که ارتباطات عاطفی

عمیقی بین آن بزرگواران وجود داشته است.

نکته بسیار جالبی که در زندگی یا سیره حضرت وجود داشته این است که حضرت علی(ع) در منزل کار می کردند، مثلاً گندم آرد می کردند، بچه داری می کردند، امام صادق(ع) در این خصوص فرمودند: «امیرمومنان(ع) هیزم فراهم می کرد و آب می کشید و خانه را جارو می کرد و فاطمه(ع) گندم یا جو را با آسیابی دستی، آرد می کرد سپس خمیر می نمود و نان می پختند.» این مسائل چیزهایی است که در زندگی آن حضرت بوده است.





علی علیه السلام در غزوه احد

در این جنگ قریش پرچمدارانی از قبیله «بنی عبدالدار» که به شجاعت معروف بودند، انتخاب کردند ولی پس از آغاز جنگ پرچمدار آنان یکی پس از دیگری به دست توانای علی (ع) کشته شدند و سرنگونی پی در پی پرچم باعث ضعف و تزلزل روحی سپاه قریش گردید و افرادشان پا به فرار گذاشتند.

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «پرچمداران سپاه شرک در جنگ احد نه نفر بودند که همه آنها به دست علی (ع) به

هلاکت رسیدند. ابن اثیر نیز می گوید: «کسی که پرچمداران قریش را شکست داد، علی (ع) بود.»

«ابن اثیر» در تاریخ خود می نویسد:

پیامبر اسلام (ص) گروهی از مشرکین را مشاهده کرد که عازم حمله بودند، به علی دستور داد به آنان حمله کند، علی (ع) به فرمان پیامبر به آنان حمله کرد و با کشتن چندین تن موجبات تفرق آنان را فراهم ساخت. پیامبر سپس گروه دیگری را مشاهده کرد و به علی (ع) دستور حمله داد و علی آنان را کشت و متفرق ساخت. در این هنگام فرشته وحی به پیامبر عرض کرد: این، نهایت فداکاری است که علی (ع) از خود نشان می دهد. رسول خدا فرمود: او از من است و من از او هستم. در این هنگام صدایی از آسمان شنید که می گفت: «**لا سیف الا ذوالفقار، ولا فتی الا علی**»



«ابن ابی الحديد» نیز می نویسد:

هنگامیکه غالب یاران پیامبر پا به فرار نهادند، فشار دسته های مختلف دشمن به سوی پیامبر بالا گرفت. دسته ای از قبیله «بنی کنانه» و گروهی از قبیله «بی عبد مناه» که در میان آنان چهار جنگجوی نامور به چشم می خورد، به سوی پیامبر یورش بردند. پیامبر به علی (ع) فرمود: حمله اینها را دفع کن. علی (ع) که پیاده می جنگید، به آن گروه که پنجاه نفر بود حمله کرده و آنان را متفرق ساخت. آنان چند بار مجدداً گرد هم جمع شده و حمله کردند، باز هم علی (ع) حمله آنان را دفع کرد. در این حملات، چهار نفر از قهرمانان مزبور و ده نفر دیگر که نامشان در تاریخ مشخص نشده است، به دست علی (ع) کشته شدند. امام علی همچنین در این جنگ، دهها زخم برای دفاع از پیامبر برداشتند.

همچنین نقل است که «جبرئیل» به رسول خدا گفت: براستی که علی علیه السلام مواسات می کند، فرشتگان از مواسات این جوان به شگفت در آمده اند. پیامبر فرمود: چرا چنین نباشد، او از من است و من از او هستم. جبرئیل گفت: من هم از شما هستم. آن روز صدایی از آسمان شنیده شد که مکرر می گفت: «**لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی**». ولی گوینده دیده نمی شد. از پیامبر سوال کردند که گوینده کیست؟ فرمود جبرئیل است.

فرزندان علی علیه السلام

نخستین فرزند امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهما السلام، حسن علیه السلام می باشد که در سال سوم هجری به دنیا آمدند. بنابر گزارش های تاریخی، نام «حسن» را پیامبر صلی الله علیه و آله برای او برگزید و او را بسیار دوست داشت. در سال بعد، یعنی سال چهارم هجری، فرزند دوم ایشان یعنی حسین علیه السلام چشم به جهان گشودند. یکی از اتفاقات ناگوار سال چهارم هجری برای امیرالمومنین علیه السلام، وفات مادرشان، فاطمه بنت اسد بود. حضرت زینب علیها السلام در سال پنجم هجری، و ام کلثوم نیز در سال ششم هجری به دنیا آمدند.

علی علیه السلام و تربیت فرزندان



بامطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی علیه السلام به خوبی آشکار می گردد که تربیت اخلاقی در کنار تربیت دینی مهمترین و اساسی ترین بعد تربیت بوده، آن حضرت بیشترین تلاش خویش را صرف این دو بعد تربیتی فرزندان کرده است. مهمترین و کارآمدترین روشی که ایشان و ائمه در تربیت اخلاقی فرزندان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آنها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن آنها مشق زندگی می گرفتند. سیره تربیتی علی علیه السلام مملو از رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود. پسند دادن یکی از روشهای اخلاقی است که در سیره تربیتی علی علیه السلام بسیار دیده می شود. آن حضرت در فرصتهای مناسب فرزندان خویش را با جملاتی محبت آمیز و پرجاذبه آماده شنیدن و گوش جان سپردن می ساخت و دلهای پاک و نورانی آنان را نورانی ترمی ساخت.

در سیره تربیتی امام علی علیه السلام تربیت اجتماعی نیز مورد توجه بود و آن حضرت با ایجاد رابطه اجتماعی صحیح میان فرزندان خود به تربیت اجتماعی آنان اقدام می فرمود. در روایت آمده است: امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندان فرمود: «با مردم به گونه ای معاشرت و ارتباط داشته باشید که اگر از نظرشان دور شدید دل در هوای شما داشته باشند و اگر مرید شدید بر شما بگریند» امام علی علیه السلام در سیره تربیتی خویش برای برقراری ارتباط درست و سالم با دیگران و نیز برخورد با آنها معیار و ملاک کلیدی را به فرزندان خود ارائه فرمود و آن نقش انسان است. ایشان در این باره میفرمایند: فرزندانم! خود را میان خویش و دیگری میزان قرار ده، پس آنچه را برای خود دوست می داری، برای غیر خود نیز دوست داشته باش و آنچه را برای خود خوش نداری، برای دیگری نیز خوش مدار؛ ستم نکن چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛ و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند....»



علی علیه السلام در غزوه خندق



در جنگ احزاب ، زمانی که عمر بن عبدود توانست از خندق عبور کند و خود را به سپاه مسلمانان برساند؛ مبارز طلبید و مسلمانان را به استهزاء گرفت. هر بار که فریاد عمرو برای مبارزه بلند می شد، فقط علی علیه السلام می خاست و از پیامبر اجازه می خواست که به میدان برود، ولی پیامبر موافقت نمی کرد. این کار سه بار تکرار شد. آخرین بار که علی علیه السلام باز اجازه مبارزه خواست، پیامبر به علی علیه السلام فرمود: این عمرو بن عبدود است! علی علیه السلام فرمود: من هم علی هستم! سرانجام پیامبر اسلام ﷺ موافقت کرد و شمشیر خود را به او داد، و عمامه بر سرش بست و برای او دعا کرد.

علی علیه السلام که به میدان جنگ رهسپار شد، پیامبر اسلام ﷺ فرمود: **برز الاسلام کله الی الشوک کله** : تمام اسلام در برابر تمام کفر قرار گرفته است. این بیان بخوبی نشان می دهد که پیروزی یکی از آنی دو نفر بر دیگری پیروزی کفر بر ایمان و ایمان بر کفر بود و به تعبیر دیگر، کارزاری بود سرنوشت ساز که آینده اسلام و شرک را مشخص می کرد. بعد از اینکه موعظه های امام علی علیه السلام در عمرو اثر نکرد، جنگ آغاز شد.

جنگ سختی در گرفت و دو جنگاور باهم درگیر شدند. عمرو در یک فرصت مناسب ضربت سختی بر سر علی علیه السلام فرود آورد. علی علیه السلام ضربت او را با سپر دفع کرد ولی سپر دو نیم گشت و سر آن حضرت زخمی شد، در همین لحظه علی علیه السلام فرصت را غنیمت شمرده ضربتی محکم بر او فرود آورد و او را نقش زمین ساخت. گرد و غبار میدان جنگ مانع از آن بود که دو سپاه نتیجه مبارزه را از نزدیک ببینند. ناگهان صدای تکبیر علی علیه السلام بلند شد. شادی از سپاه اسلام برخاست و همگان فهمیدند که علی علیه السلام قهرمان بزرگ عرب را کشته است. با کشته شدن این قهرمان، سپاه احزاب روحیه خود را باختند، و از امکان هر گونه تجاوز به شهر، بکلی ناامید شدند و قبائل مختلف هر کدام به فکر بازگشت به زادگاه خود افتادند.

محدث معروف اهل تسنن، حاکم نیشابوری ، گفتار پیامبر را با این تعبیر نقل کرده است: پیکار علی بن ابیطالب علیه السلام در جریان جنگ خندق با عمرو بن عبدود از اعمال امت من تا روز قیامت حتماً افضل است.

علی علیه السلام در غزوه خیبر

غزوه خیبر در سال هفتم رخ داد. پیامبر ﷺ برای خاتمه دادن به تحریکات یهودیان خیبر و فدک که در خارج از مدینه و اطراف آن زندگی میکردند، لشکر کشی نمودند و امر فرمود که فقط اصحاب و شرکت کنندگان در بیعت رضوان آماده جنگ شوند. فتح قلاع یهودیان آغاز شد و مسلمانان یکی پس از دیگری، قلعه ها را فتح کردند. فتح قلعه قموص که مستحکم ترین قلعه بود به درازا انجامید. در این جنگ، پیامبر ﷺ ابتدا پرچم اسلام را به دست ابوبکر داد، وی شکست خورد یا به قولی فرار کرد. سپس پرچم را به دست عمر بن خطاب داد، عمر بن خطاب نیز قبل از رسیدن به دشمن فرار کرد. حاکم نیشابوری عالم اهل سنت در مورد فرار عمر چنین گزارش میدهد:

منبع



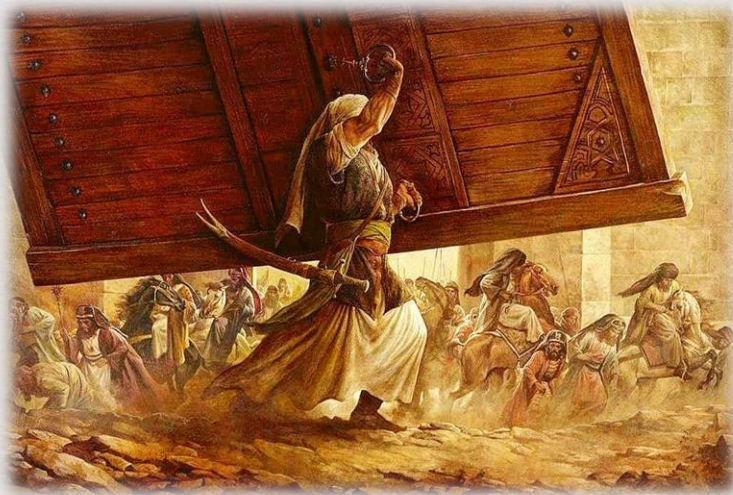
مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۹ و ۴۰

۴۴/۴۳۴۰ - أخبرنا أبو العباس محمد بن أحمد المجوسي بمرو، ثنا سعيد بن مسعود، ثنا عبيد الله بن موسى، ثنا نعيم بن حكيم، عن أبي موسى الحنفي، عن علي رضي الله عنه قال: سار النبي ﷺ إلى خيبر فلما أتاها بعث عمر رضي الله تعالى عنه وبعث معه الناس إلى مدينتهم أو قصرهم فقاتلوهم فلم يلبثوا أن هزموا عمر وأصحابه فجاءوا يَجِينُونَهُ وَيَجِينُهُمْ فَسَارَ النَّبِيُّ ﷺ، الْحَدِيثُ.



هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه . /

پیامبر ﷺ فرمود: «فردا پرچم را به کسی خواهیم داد که خدا و رسولش او را دوست می دارند و خداوند به دست او فتح را نصیب مسلمانان خواهد کرد و او گریزنده نیست.» صبح روز بعد، پیامبر حضرت علی علیه السلام را که دچار چشم درد بود، با اعجاز شفا داد و پرچم را به وی سپرد.



امام علی(ع) جلوتر از نیروهای خود راهی میدان شد. نخستین کسی که از یهودیان همراه با کاروان خود بر مسلمانان حمله کرد، حارث، برادر مرحب بود. مسلمانان پا به فرار گذاشتند؛ ولی امام علی(ع) به تنهایی پایداری فرمود و ضرباتی به یکدیگر زدند. حارث، رزم‌آور مغرور یهودی که نعره‌هایش به هنگام نبرد، لرزه بر اندام‌ها می‌افکند، با ضربت سهمگین علی علیه‌السلام بر خاک افتاد و مرحب، که کسی توان رویارویی با او را نداشت، با شمشیر وی، دو نیم گشت. برخی از دلاوران یهود که پشت سر مرحب ایستاده بود، وقتی این صحنه را مشاهده کردند، وحشت زده به قلعه پناهنده شدند و فوراً درب قلعه را بستند. امام علیه‌السلام در دژ "قَمُوص" را به تنهایی از جا کند که تکان‌دادنش تنها از عهده‌ی چهل مرد بر می‌آمد. امام علی درمورد کندن در خیبر می‌فرمایند:

به خدا سوگند من دروازه خیبر را با قدرت جسمانی و تحرک غذایی (انرژی حاصل از غذا) از جای نکندم؛ بلکه من به قوه مَلکی (ملکوتی و ربانی) و روحی که به نور پروردگارش، روشن است تأیید و حمایت شدم. پس به این ترتیب، مسلمانان توانستند وارد قلعه شوند و آنرا فتح کنند.

علی علیه السلام در غزوه حنین



غزوه حَئین، جنگی که پس از فتح مکه در سال هشتم هجری در منطقه حنین بین مسلمانان به فرماندهی پیامبر اکرم(ص) و قبیله‌های هوازن و ثقیف رخ داد. در ابتدای جنگ، بر اثر شیبخون مشرکان و نیز حضور تازه‌مسلمانان مکی، سپاه اسلام متزلزل بود تا جایی که

جان پیامبر(ص) هم به خطر افتاد، اما مسلمانان سرانجام به پیروزی رسیدند و به غنائم بسیاری دست یافتند. در این جنگ پرچم مهاجران به دست علی(ع)، پرچم خزرج به دست حُباب بن مُنذر (و به قولی به دست سعد بن عُباده) و پرچم اوس به دست اُسَید بن حُضَیر بود. کسانی که در این جنگ فرار نکردند و با پیامبر ثابت قدم ماندند، علی(ع)، عباس بن عبدالمطلب و ابو سفیان بن حارث که از بنی هاشم بودند، و به روایتی دیگر، فقط ده یا نه نفر از بنی هاشم، از جمله سه تن یاد شده و یک نفر از غیر بنی هاشم یعنی اَیْمَن بن ام ایمن با پیامبر ماندند. هنگام فرار مسلمانان، حضرت علی برای دفع خطر از پیامبر از ایشان دفاع میکرد. افزون بر این، علی (علیه السلام) در هنگام محاصره دژ، مأموریت یافت تا بت‌های اطراف طائف را نابود کند که این مأموریت را نیز به گونه‌ای شایسته انجام داد تعداد فراریان از جنگ را یکصد تا سیصد تن نوشته‌اند، که از جمله آنان عمر بن خطاب بوده است. شخصی بنام ابی قتاده نقل میکند که مسلمانان را در حال فرار دیدم... **فَلَحِقْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فَقَالَ: مَا لِلنَّاسِ؟ فَقُلْتُ: أَمْرُ اللَّهِ. ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ رَجَعُوا /** منبع صحیح بخاری، ج ۴ ص ۱۵۷۰

علی و غزوه تبوک

از میان تمامی غزوات پیامبر، علی فقط در غزوه تبوک به‌مراه پیامبر نبود و جانشین ایشان در مدینه و سرپرست خاندان ایشان بود. منافقین که وضع را برای خود نامناسب دیدند شروع کردند به شایعه پراکنی که علی بن ابی طالب (ع) جایگاه خود را در نزد پیامبر اکرم (ص) از دست داده است ۲؛ او همیشه در جنگ‌ها حضور داشت و پرچمدار غزوات رسول خدا (ص) بود حالا چه اتفاقی افتاده است که او مورد بی‌مهری قرار گرفته است؟ امیر المؤمنین (ع) باید این توطئه را خنثی می‌کردند. با عجله در یک یا دو منزلی خود را به پیامبر اکرم (ص) رساندند و با چشمی گریان عرضه داشتند یا رسول الله چه شده است که این بار من را از جهاد در راه خدا معاف کردید؟ پیامبر اکرم (ص) فرمودند: **أَنْتَ مَتَى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.**

يَا عَلِيُّ أَنْتَ مَتَى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

علی علیه السلام و ابلاغ سوره برائت

آیات برائت در پایان سال نهم هجری نازل شد و پیامبر(ص) مأمور شد در ذی الحجه همان سال هنگام اجتماع مشرکان در مکه، آیات را به آنان ابلاغ کند. پیامبر(ص) ابوبکر بن ابی قحافه را فرا خواند و او را فرستاد تا آیات را برای مردم مکه بخواند. سپس پیامبر(ص) امام علی(ع) را فرا خواند و فرمود به دنبال ابوبکر برود و هر کجا به او رسید، نوشته را از او بگیرد و آن را به سوی مردم مکه ببرد و بر آنان بخواند. امام علی(ع) در جُحفه به ابوبکر رسید و نوشته را از او گرفت. ابوبکر به سوی پیامبر(ص) بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا آیا در حق من چیزی نازل شده است؟ فرمود: نه اما جبرئیل نزد من آمد و گفت: [پیام] از جانب تو را جز خودت یا مردی از [خاندان] تو نمی‌رساند.



امام علی(ع) بعد از ظهر روز عید قربان به مکه رسید و خود را فرستاده پیامبر(ص) معرفی کرد و آیات آغازین سوره توبه را قرائت کرد و سپس فرمود: «از این پس کسی نباید عریان طواف کند و هیچ مُشرکی حق ندارد سال آینده به زیارت بیاید و هرکس از مشرکان با رسول خدا پیمان بسته است، اعتبارش چهار ماه است.»

علی علیه السلام در روز مباهله



بعد از نامه پیامبر خدا به مسیحیان نجران و تصمیم آنها برای ملاقات حضوری با پیامبر، شصت نفر از بهترین ها و داناترین هایشان به همراه سران مذهبی خود در حالی که لباس‌های ابریشمی به همراه انگشترهای طلا و صلیب پوشیده بودند در مسجد بر پیامبر اکرم وارد شدند ولی احساس کردند که پیامبر از آنها ناراحت شده است. دلیل ناراحتی را از عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف پرسیدند و آنها گفتند حل این مشکل به دست علی بن ابیطالب است. حضرت نیز در پاسخ آنها را توصیه کردند که با ظاهری ساده و بدون زر و زیور به حضور پیامبر برسند تا مورد احترام قرار گیرند و این اتفاق نیز افتاد.

این قطعه مقدماتی از جریان مباهله پس از اولین ملاقات مسیحیان نجران با پیامبر اکرم به خوبی برتری و فضیلت حضرت علی علیه السلام را بر دیگران اثبات می‌کند. اینکه دو نفر از افراد مشهور آن زمان بدون کمترین تردیدی، نزدیکترین فرد به پیامبر اکرم و کسی که بهتر از هر فرد دیگری پیامبر و اخلاق و روحیات او را درک می‌کند و می‌شناسد، علی بن ابیطالب معرفی می‌کنند. این، یکی از اعترافات و اسناد تاریخی فضیلت حضرت علی علیه السلام در این واقعه است. در اینکه تنها این چهار نفر یعنی علی بن ابیطالب، فاطمه زهرا و حسنین علیهم السلام به همراه پیامبر برای مباهله رفتند و نیز آیه ۶۱ سوره آل عمران برای جریان مباهله نازل شده هیچ کس تردیدی ندارد. لاجرم، با تطبیق عبارات آیه بر افراد شرکت کننده در مباهله عبارت "انفسنا" کسی جز علی بن ابیطالب نخواهد بود. اصل اشاره به علی بن ابیطالب در یکی از آیات قرآن کریم، فضیلتی بسیار بزرگ برای ایشان است. این چهار تن که علی بن ابیطالب نیز یکی از آنهاست نقشی اساسی در دعوت به اسلام دارند و دین اسلام بدون آنها ناتمام است.

علی علیه السلام و سائل



عده ای از مسیحیان خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدند. یهودیان حاضر در جلسه پرسیدند: هر پیامبری وصی و جانشینی دارد. اگر شما پیامبر خدایید وصی و جانشین شما چه کسی است؟ جبرئیل آمد و آیه «و یعطون الزکاه و هم راکعون» را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) تلاوت کرد (کسی که در حال رکوع صدقه می دهد).

مطلب برای حاضران روشن نبود. از این رو همراه پیامبر برخاستند و وارد مسجد شدند. فقیری را دیدند که از مسجد خارج می شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی به تو کمکی نکرد؟» گفت: چرا آن مرد که نماز

میخواند وقتی صدای مرا شنید که از مردم کمک می خواهم اشاره کرد، به سوی او رفتم و در حالی که در رکوع بود انگشتی را به من بخشید.

رسول خدا با شگفتی تکبیر گفت و اصحاب هم تکبیر گفتند.

پیامبر به مسیحیان و یهودیان رو کرد و فرمود: «علی (علیه السلام) که در حال رکوع صدقه می دهد وصی و جانشین من است»

علی علیه السلام و سفر به یمن

امیرالمؤمنین علیه السلام در مدت کوتاهی (کم تر از یک ماه) توانست به نشر اسلام در یمن پردازد. قضاوت های حضرت علی علیه السلام در یمن که بعداً مورد تایید رسول خدا ﷺ قرار گرفت، (جزو کارنامه درخشان فضائل آن حضرت است. سپاه اسلام وارد سرزمین نجران شد. برخورد بسیار مهربانانه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان نجران با آغوش باز آن ها همراه شد. مسیحیان به تمام تعهدات (مالی) خود وفا نمودند و بدین گونه پیوند خود را با مسلمانان مستحکم و همیشگی نمودند؛ پیوندی که برای اولین بار بین مسلمانان و اهل کتاب به صورتی مسالمت آمیز برقرار شده بود.

علی (علیه السلام) و جلوه های از سیره عملی

شجاعت و ایثارگری

شجاعت و ایثارگری، یکی از صفات بارز و مثال زدنی مولای متقیان علی (علیه السلام) است. شجاعتی که در جهت پیشبرد اهداف الهی و به ثمر رساندن مقاصد اسلام بود. شجاعتی که یاد دلاوران روزگار را از دل‌های مردم برد و نام دلیرانی را که بعدها آمدند، بکلی از خاطره ها زدود. کسی که در کودکی و نوجوانی سر سرکشان و دلاوران را به خاک مالید، کسی که صخره سنگ بزرگی را که همه سپاهیان از کندن آن عاجز بودند، از جای کند تا آب روان را همه بنوشند؛ کسی که تمام زخم های دشمن را از روبرو تحمل کرده و هرگز پشت به دشمن نکرده است؛ و کسی که پیامبر اکرم به او فرمود:

اگر مردم شرق و غرب در برابر علی (علیه السلام) بایستند، بر همه آنها غلبه می کند. امام علی (علیه السلام) در جنگها در خط مقدم شرکت می کرد و زره می پوشید و خود را به قلب سپاه دشمن می زد و چنان حملات شدیدی انجام می داد که دشمن چون روباه در مقابلش می گریختند. نمونه هایی از این شجاعت ها و دلیری ها را در جنگ ها و ماموریت های ابلاغ شده از سوی پیامبر به ایشان را مثال زدیم.

کار و کشاورزی امام علی (علیه السلام)

امامی که عبادت و راز و نیاز شبانه اش با خدا و شجاعت و جنگ آوریش نظیر نداشت. در کار و تولید و سازندگی نیز یگانه دوران بود. از دسترنج خود می خورد و با کار و عرق جبین، خانواده اش را اداره می کرد و آن را عبادت خدا می دانست و بیکاری و فقر و در نتیجه دست سؤال به سوی این و آن دراز کردن را از صفات زشت و پرنکبت می دانست. روزی به خانه آمد و از فاطمه (س) پرسید، غذایی داریم؟ پاسخ شنید که در منزل چند روزی غذای کافی نیست. امام سطل آبی گرفت و بیرون رفت و آبیاری یکی از نخلستانهای اطراف «قبا» را به عهده گرفت و شب تا صبح مشغول آبیاری شد.



علی (علیه السلام) و جلوه های بی نظیر او

کارگری امام (علیه السلام)

امام به بی نیازی و خودکفایی بسیار توجه داشت و همگان را برای بی نیاز شدن، به کار و تولید تشویق می کرد و خود آنقدر کار می کرد که در دستانش پینه و آبله وجود داشت. روزی شرایط مادی زندگی بر علی (علیه السلام) به قدری تنگ شد که دچار گرسنگی شدید گردید. از خانه به جستجوی کار، بیرون آمد اما در مدینه کاری پیدا نکرد. تصمیم گرفت به حوالی مدینه برود تا شاید در آنجا کاری پیدا شود. به آنجا رفت ناگاه دید زنی خاک را غربال کرده و منتظر کارگری است تا آب بیاورد و آن را گل نماید.

حضرت علی (علیه السلام) با او صحبت کرد. دریافت که او در انتظار کارگر بوده است. پس از توافق در مورد دستمزد مشغول آب کشیدن از چاه و آماده کردن گل برای ساختمان شد و در پایان کار مزد خود را که مقداری خرما بود از آن زن گرفت و به مدینه بازگشت. وقتی به محضر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید، ماجرا را بیان نمود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) با هم نشستند و از آن خرماها خوردند و گرسنگی آن روزشان برطرف گردید.

بخشیدن غذای مورد احتیاج به فقیر

امام حسن و امام حسین مریض شدند. علی و فاطمه (ع) نذر کردند سه روز روزه بگیرند. در منزل نیز غذای کافی نبود، علی (علیه السلام) از شمعون یهودی مقداری پشم گرفت تا تبدیل به نخ کرده در قبال آن جو و گندم دریافت کند. گندم و آرد تهیه شد و ۵ قرص نان پخته و سفره افطار آماده گردید فضا نیز در روزه گرفتن شرکت کرده بود، تا خواستند افطار کنند، فقری در را کوبید و تقاضای غذا کرد. علی (علیه السلام) غذای خود را داد، حضرت زهرا، و فرزندان بزرگوار و فضا نیز غذای خود را به فقیر بخشیدند.

علی (ع) و جلوه های از سیره عملی

این حرکت ایثارگرانه تا سه روز تکرار شد به طوری که بدن بچه ها از گرسنگی می لرزید و چشم های حضرت زهرا(س) در کاسه سرش فرو رفته بود، وقتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) متوجه شد ناراحت گردید. جبرئیل آمد و بشارت داد: یا رسول الله! سوره «هل أتى» به عنوان پاداش برای این خانواده نازل شد.

بخشیدن همه دارایی ها به مستمندان

روزی حضرت زهرا(ع) خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) رسید و پس از سلام و احوالپرسی از علی(علیه السلام) پرسید. حضرت زهرا فرمود: ای پیامبر(صلی الله علیه و آله) علی(علیه السلام) از غذا چیزی در خانه باقی نمی گذارد، هر چه دارد، به تهی دستان می بخشد.

احمد بن حنبل در فضائل آورده که محصول زراعت علی(علیه السلام) چهل هزار دینار بود که آن را صدقه مستمندان ساخت.



علی علیهما السلام و واقعه غدیر خم



روز پنجمشنبه سال دهم هجرت بود و درست هشت روز از عید قربان می گذشت. ناگهان دستور توقف از طرف پیامبر به همراهان داده شد. مسلمانان با صدای بلند، آنها را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند، به بازگشت فراخواندند و صبر کردند تا عقب افتادگان هم برسند. مؤذن با صدای الله اکبر مردم را به نماز ظهر دعوت کرد. مردم به سرعت آماده نماز شدند، اما هوا به قدری داغ بود که بعضی مجبور بودند قسمتی از عبای خود را به زیر پا و طرف دیگر آن را به روی سر بپفکنند که در غیر این صورت، ریگ های بیابان و اشعه آفتاب پا و سر آنها را اذیت می کرد. نماز ظهر تمام شد. پیامبر به مردم اطلاع داد که همه باید برای شنیدن یک پیام تازه الهی خود را آماده کنند. به خاطر جمعیت زیاد مردم، منبری از چهار شتران ترتیب داده شد و پیامبر بر فراز آن قرار گرفت و نخست حمد و سپاس پروردگار به جای آورد و خود را به خدا سپرد، سپس مردم را مخاطب ساخته، فرمود:

«من به همین زودی دعوت خدا را اجابت کرده، از میان شما می روم. من مسئولم، شما هم مسئولید. شما درباره من چگونه شهادت می دهید؟ مردم صدا بلند کرده، گفتند: ما گواهی می دهیم تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی و شرط خیرخواهی را انجام دادی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت به کار بستی. خداوند تو را جزای خیر دهد».

ایشان سپس به تقلین اشاره میکنند و بعد از آن، فرمود:

در این هنگام مردم دیدند که پیامبر به اطراف خود نگاه کرد. گویا کسی را جستجو می کند و همین که چشمش به علی افتاد، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد، آن چنان که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را دیدند و شناختند که او همان افسر شکست ناپذیر اسلام است. سپس صدای پیامبر بلندتر شد و فرمود:

ای مردم! چه کسی از همه مردم به مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و پیامبر داناترند. پیامبر فرمود: خدا، مولای من است و من، مولا و رهبر مؤمنانم و به آنها از خودشان سزاوارترم.



علی علیہ السلام و واقعه غدیر خم

سپس پیامبر فرمود:

مکتب مولانا محمد علی مولانا

هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست



و این سخن را سه بار و به گفته برخی از راویان حدیث، چهار بار تکرار کرد و به دنبال آن سر به سوی آسمان بلند کرده، فرمود: «خداوند! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض بدار آن کس را که او را مبغوض دارد، یارانش را یاری کن، و آنها را که ترک یاری اش کنند، از یاری خویش محروم ساز و **حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن**»

سپس فرمود: «آگاه باشید، همه حاضران وظیفه دارند این خبر را به غائبان برسانند».

خطبه پیامبر به پایان رسید، عرق از سر و روی پیامبر و علی و مردم فرو می ریخت و هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که امین وحی خدا نازل شد و این ایه را بر پیامبر خواند: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...؛) «امروز این شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم...». پیامبر فرمود: «الله اکبر الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی والولایه لعلی من بعدی؛ خداوند بزرگ است، همان خدایی که این خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد و از نبوت و رسالت من و ولایت علی پس از من راضی و خشنود گشت». سپس برخی سرشناسان همچون ابوبکر و عمر آمدند و به امام علی تبریک گفتند و حسان بن ثابت نیز اشعاری در مورد واقعه غدیر خم سرود.







اللهم صل على محمد وآل محمد

اللهم صل على الويل الفج

اللهم صل على محمد وآل محمد

السلام على أمير المؤمنين

السلام على أمير المؤمنين



پایان



دانشگاه شریز
میثم ابنای / زمستان ۱۴۰۰